

## صفحه های جالب

امیر منصور

### ۱- نسخه ای استثنایی از باز تولید صفحه ای از قمر

معروف است که اولین سری صفحه های ضبط شده در تهران با لیبل هیز ماسترز ویس، در سال ۱۹۲۶ صورت گرفته و "مایکل کنی-یر" نیز در کتاب "ضبطهای فارسی کمپانی گرامافون: ۱۸۹۹ تا ۱۹۳۳" همین تاریخ را مورد تایید و تاکید قرار داده و این اتفاق نظر، راه را بر هرگونه تشکیک در تاریخ مذکور بسته بود.

چندی پیش نسخه ای از صفحه AX379 از قمرالملوک وزیری با عنوان "تصنیف ماهور اکنون که مرا وضع وطن" در روی اول و "رنگ ماهور" در روی دوم، در دسترس قرار گرفت که دارای ویژگیهای ذیل بود:

الف- به استناد متن روی برچسب و عبارت حک شده روی بدنه صفحه، این نسخه تولید کلکته در هند است که گرافیک و نحوه و مکان قرارگرفتن شماره صفحه، عنوان اثر، نام خواننده به دو زبان فارسی و انگلیسی و شماره کاتالوگ بر روی لیبل، کاملاً متفاوت با صفحه های تولید لندن می باشد. جالب آنکه در هیچیک از منابع موجود و حتی مدارک کمپانی گرامافون (هیز ماسترز ویس) که در اختیار مایکل کنی-یر بوده و وی به عنوان پژوهشگر در آرشیو آن شرکت در لندن و اساساً در هند فعالیت داشته و علاوه بر کتاب یادشده، دو جلد کتاب نیز در مورد صنعت ضبط صدا و آثار تولید شده در هند منتشر نموده، به این مطلب اشاره نشده است.



ب- نکته مهم در نسخه تولید هند، حک شدن اطلاعاتی فراوان بر روی بدنه صفحه است که با وجود برچسب، به راحتی قابل تشخیص و قرائت می باشد و در عین مشابهت با صفحه های تولید آلمان، در

صفحه های هیز ماسترز ویس تولید انگلستان، مشاهده نشده است. علاوه بر درج شماره قالب و نام خواننده، ذکر تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۲۶ بر روی بدنه که امکان قرائت آن در هر دوروی صفحه وجود دارد، قابل توجه و تاریخ دقیق ضبط این صفحه را که مصادف با ۲۶ فروردین ۱۳۰۵ شمسی است، روشن می سازد. شماره دیگری نیز وجود دارد که بر روی اول 10-25 و بر روی دوم 12-11-25 خوانده می شود.

با توجه به قرارگرفتن صفحه AX379 در اواسط شماره صفحه های این سری از ضبطهای هیز ماسترز ویس که از AX341 شروع و به AX408 خاتمه می یابد و شماره صفحه ها با شماره قالبها و شماره کاتالوگها انطباق کامل دارد، معلوم می شود که ضبط این سری از صفحه ها در فروردین ۱۳۰۵ شمسی آغاز شده اند و با توجه به تعداد آثار ضبط شده، طول مدت ضبط نبایستی بیش از یک ماه باشد.

نگاهی به شرایط سیاسی سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ شمسی می تواند روشنگر شرایط ضبط صفحه در آن ایام نیز باشد. در بین تمام آثار ضبط شده در این نوبت، سه تصنیف از قمر و یک مارش بدون کلام را می توان خارج از چارچوب سیاستهای رضا خان دانست. رضا خانی که در آن ایام برای تاج گذاری در اردیبهشت سال ۱۳۰۵ درصد تهیه مقدمات و انجام تمهیدات است تا سلطنت را از قاجاریه به سلسله پهلوی انتقال دهد و او همان رضاخانی است که تا چند ماه قبل، پرچمدار جمهوریخواهی و براندازی سلطنت شناخته می شد.

بنابر آنچه نقل شد آغاز ضبط اولین سری صفحه های هیز ماسترز ویس در تهران، مقارن با دوره ای است که رضاخان، مسئولیت ریاست الوزرائی را عهده دار است و ضبط این آثار بایستی نهایتاً مقارن با ایام تاج گذاری رضاخان به پایان رسیده باشد و بعید نیست که برخی از آثار و مارشها، بر اساس انطباق با مواضع قبلی وی، تهیه شده باشد. به هر حال در بین این سری از صفحه های هیز ماسترز ویس، سه صفحه از قمر و یک مارش مشاهده می گردد که می تواند با معیارهای شاه جدید، همسویی نداشته و باتوجه به نقش موثر و گسترده رسانه ای صفحه در آن ایام، چالش با حکومت را سبب شود. این صفحه ها عبارتند از:

- صفحه AX355 تصنیف دشتی (گریه کن که گر سیل خون گری ثمر ندارد) با شعر عارف، با صدای قمر و تار مرتضی خان نی داود
- صفحه AX379 تصنیف ماهور (اکنون که مر وضع وطن در نظر آمد) با شعر میرزاده عشقی و به یاد وی، با صدای قمر و تار مرتضی خان نی داود
- صفحه AX385 تصنیف شور (ای دست حق پشت و پناهت باز) با شعر عارف و در حمایت از سید ضیاءالدین طباطبایی، با صدای قمر و تار مرتضی خان نی داود
- صفحه AX373 با عنوان مارش جمهور که مارشی بدون کلام بوده (و توسط دانش آموزان مدرسه آمریکایی تهران اجرا شده) اما می توانسته موضوع جمهوریت را به عنوان جایگزین سلطنت در ذهنها زنده کند

بازتولید این آثار پس از استقرار سلسله پهلوی با محدودیت مواجه شده و به همین دلیل، نسخه موضوع این گزارش، نسخه ای بسیار کمیاب و دارای ارزش مذاقه همه جانبه می باشد.

## ۲- داستان پریچ و خم بدست آوردن یک صفحه

دربین نامه‌های الکترونیکی فراوانی که روزانه دریافت می‌کنم، تعداد قابل توجهی از آنها مربوط به صفحه‌های ۷۸ دور می‌باشد. چندی پیش نامه‌ای دریافت کردم که خبر از حراج چند صفحه سنگی فارسی از طریق ebay می‌داد. یکی از صفحه‌ها، که نسخه‌ای از آن را در اختیار داشتم، به دلیل ویژگی نسخه و ارزش آن از حیث مستندسازی، آن اندازه مورد توجه قرارگرفت که از یکی از دوستان که امکان شرکت در حراج را داشت درخواست کردم به هر نحو قیمت ممکن آن را خریداری کرده و برایم ارسال نماید. با پایان یافتن زمان حراج، دوست مذکور برایم نوشت که در آخرین لحظات بسته‌شدن حراج، خریدار دیگری که مقیم آمریکاست، قیمت بالاتری را وارد کرده و موفق به خرید صفحه مذکور شده است و اضافه کرد که آن خریدار را می‌شناسد و خواهد کوشید که وی را به فروش یا معاوضه این صفحه راضی کند. پس از چندی خبر موافقت واگذاری صفحه به قیمتی بالاتر را دریافت کردم که تا رسیدن به دست دوست واسطه و پیگیر کار، هزینه‌های قابل توجه بسته‌بندی و پست نیز به آن افزوده شد.



چند ماه بعد دوست مذکور به ایران آمد و از سر محبت، تعدادی صفحه و منجمله صفحه مورد بحث را با خود آورد. تمام هزینه‌ها و گردش این صفحه در بیش از نیمی از دنیا، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آن، به شرح زیر می‌باشد:

۱- در کلیه مدارک در دسترس، اشاره‌ای به بازتولید صفحه‌های ۷۸ دور فارسی کلمبیا در آمریکا وجود ندارد در حالیکه این نسخه دال بر بازتولید برخی از این آثار در نیویورک، با شماره قالب

(194416/7) و شماره کاتالوگ F-42007 است که متفاوت با شماره های مورد استفاده برای تولید همین صفحه در انگلستان می باشد. بر روی نمونه تولید انگلستان شماره قالب 21039/40 و شماره صفحه آن 15040 درج شده است.

۲- روی برچسب هیچیک از صفحه‌های متعدد جمال صفوی که توسط کمپانی کلمبیا در انگلستان تولید شده و نگارنده، دیسکوگرافی کامل این هنرمند ناشناخته را در ژورنال صفحه سنگی شماره ۳ منتشر نموده، نام کامل خواننده وجود ندارد و تنها به درج حروف "ج-ص" بسنده شده است. نسخه تولید آمریکا، تنها سند و صفحه‌ای است که نام "جمال صفوی" بر روی آن وجود دارد.

۳- اسامی نوازندگان (پیانو استوار- ویولون منصوری- تار سالاری) بر روی برچسب صفحه‌های ساخت انگلستان و توزیع شده در ایران ذکر شده در حالیکه بر روی لیبل صفحه تولید آمریکا وجود ندارد. یادآور می شود براساس اسناد ضبط موجود در آرشیو EMI که مورد استفاده مایکل کنی یر قرار گرفته، مهدی غیاثی نوازندگی ضرب در این اثر را عهده‌دار بوده است.



پیگیری فراوان و صرف هزینه و زمان درخور به تهیه صفحه‌ای نایاب و در حقیقت سندی ارزشمند انجامید که هویت واقعی برجسته ترین مرد تصنیف‌خوان دهه اول قرن شمسى حاضر را به قطعیت معلوم و معین می‌کند و سزاست که تلاشی گسترده‌تر در یافتن اینگونه اسناد داشته باشیم.



### ۳- صفحه های سنگی مذهبی در ترکیه

نسبت به اعتقادات عمیق دینی در بنیانهای اجتماعی ترکیه جای هیچگونه تردیدی نیست و از منظر اروپای امروز، ازدهای خفته عثمانی گذشته و بیداری مجدد آن برمبنای باورهای ناب اسلامی، تهدیدی بسیار جدی است که نه بواسطه سپاه ینی چریها، بلکه با فتوحات دموگرافیک و فرهنگی، تغییراتی عمده در نقشه اروپا حادث خواهد کرد.

در عصری که رسانه‌های صوتی محدود به صفحه‌های سنگی و سپس رادیو می‌شدند، تلاش مردمی برای حفظ باورها و سنن دینی و تلاش حکومتی برای کمرنگ کردن آنها، خود را در نمونه آثار تولیدشده نشان می‌دادند که شاهد مثال و مصداقی از هر کدام را ذکر می‌کنیم:



الصلوة

اذان محمدی

۳/۱- اندیشه ناسیونالیستی لائیک که پس از جنگ جهانی اول در خاورمیانه با حمایت انگلیس تبلیغ و ترویج می‌شد، اقداماتی مشترک در اغلب کشورها را رقم می‌زد که مثلا تغییر روزهای هفته، ماه‌های سال و مبدا تاریخ از مبنای اسلامی به غیراسلامی و بویژه مسیحی، از مصادیق آن می‌باشد. از بارزترین این اقدامات که با اعمال فشار در عصر آتاتورک در ترکیه تعقیب شد و به نتیجه رسید، تغییر حروف الفبا بود که با شعار عرب‌ستیزی و عرب‌زدایی آغاز و تا مرحله ممنوعیت پخش اذان و قرائت قرآن کریم به زبان عربی، توسعه یافت که ممنوعیت این دو پدیده اخیر، در نتیجه مقاومت‌های مردم و علما، به شکست انجامید اما در طی دوره تعقیب این سیاست، نمونه‌هایی از اذان و قرائت آیات قرآن کریم که به زبان ترکی اجرا شده، بر روی صفحه‌های ۷۸ دور وجود دارد که تصویر برجسب یکی از این آثار بر روی صفحه کلمبیا با شماره DT 18856- که احتمالا متعلق به اواخر دهه ۲۰ یا اوایل دهه ۳۰ میلادی است- نقل می‌شود:



قرآن ترکی: آیاتی از سور آل عمران، انفال، صف و عادیات	قرآن ترکی: آیات قدر در آیات ۳۱ تا ۴۱ سوره اسرا
--	--

۳/۲- انواع نغمه‌های دینی در بین صفحه‌های سنگی ترکی یافت می‌شود. از مولودی‌خوانی تا مرثیه و فرم خاص دیگری که به آن قصیده گفته می‌شود، در بین صفحه‌های ۷۸ دور وجود دارد. با رفع ممنوعیت از قرائت انحصاری قرآن به زبان ترکی، نمونه آثار بیشتری از قرائت قرآن کریم، در صفحه‌های سنگی ترکی ضبط و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. قدیمی‌ترین اثری که در این بخش معرفی می‌گردد مرثیه‌ای حزین و قصیده‌ای است که طبعاً بدون همراهی ساز توسط فردی بنام مکدر (یا مقدر) خانم، در دوروی صفحه AX.1631 اجرا شده و تاریخ ضبط آن، حوالی سال ۱۹۳۰ میلادی، برآورد می‌شود.

